



## نقد و بررسی تحلیلی ترجمه فارسی افسانه سنسکریت حکمت و خرد باستانی هند «کتا سرت ساگر»

فرزانه اعظم لطفی<sup>۱</sup>

استادیار و عضو هیات علمی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران، ایران

دو ملت ایران و هند از دیرباز به علت بودن از یک خانواده نژادی، فکری و زبانی هر دو از یک منبع و مخزن فولکلوری تغذیه و تقویت شده‌اند. چنانچه داستان‌های پنج تنترا از هندوستان به ایران آورده شده و از این طریق به گنجینه ادبیات ایران بهای خاصی بخشیده‌است. اگرچه پنج تنترا در ادبیات عامه جهان و ایران شناخته شده اما داستان‌های حکمت‌آمیز «کتا سرت ساگر» منتظر برزویه طبیعی است برای آشنائی و یادآوری اثری سترگ که در ردیف مها بهارت و راماین به عنوان گنجینه گرانقدر ادبی هند به شمار می‌آید. این اثر مشتمل بر هفصد هزار قطعه در قرن سوم و چهارم میلادی سروده شده‌است که در قرن نهم هجری نخستین بار به دستور پادشاه کشمیر سلطان زین‌العابدین به زبان فارسی درآمد و همزمان توسط عبدالقادر بدایونی مؤلف مشهور «منتخب‌التواریخ» همراه با اضافاتی تکمیل شد. اکنون اگرچه این اثر از سوی خاور شناسان با استقبال جدی و گسترده روبرو شده و از طرف یونسکو در مجموعه آثار بزرگ جهان چاپ و منتشر شده‌است، اما این اثر با ارزش که در ردیف کلیله و دمنه قرار دارد تاکنون در دسترس فارسی زبانان قرار نگرفته‌است. فارسی‌دانان هند این اثر را به زبان فارسی نامتعارفی ترجمه کرده‌اند، اگرچه در سال ۱۹۷۷ تصحیح می‌شود، اما همچنان نامأنوس باقی می‌ماند. در این پژوهش به نقد و بررسی تحلیلی ترجمه این اثر و ویژگی‌های حکمت خاص و اهمیت آن پرداخته می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** کتا سرت ساگر، برهت کتا، بحرالاسمار، دریای اسمار، موج و نهر، ترجمه فارسی نامتعارف، نقد و تحلیل ترجمه کتا سرت ساگر.

<sup>۱</sup> f.azamlotfi@ut.ac.ir

## مقدمه

گذشته‌های تاریخی و فرهنگی ایران و هندوستان دست کم به حدود سه هزار سال روابط مبتنی بر حسن هم‌جواری و دوستی و آغاز آن به هزاره دوم قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد. زمانی که اقوام آریایی با هم می‌زیستند و دارای فرهنگ مشترکی بودند، جهات متفاوت این پیوند دیرینه با ورود اسلام از طریق ایرانیان به وسیله زبان فارسی دو چندان می‌شود، چرا که زبان فارسی قریب بر هزار سال زبان دین و زبان رایج در دربار شاهان در عدالت‌خانه‌ها و محکمه‌ها این سرزمین بوده‌است.

زبان فارسی عنوان «راج بهاشا» (زبان حکومت) را در قرن پانزدهم میلادی در دوره حکومت اکبر شاه داشته‌است. در آن زمان کسی به دربار شاه می‌توانست قدم بگذارد که علم زبان فارسی داشته‌باشد. این زبان اعتبار، عزت، هویت و حتی دارای قوت تغییر در سیستم طبقاتی در هند را به خوبی داشته‌است. قرن پانزدهم به عصر طلایی در سیستم حکومتی اکبر شاه معروف بوده‌است و عهد زرین ترجمه با برگرداندن زبان کهن سنسکریت به زبان فاخر فارسی آغاز به کار می‌کند. در هندوستان اکثر کتب چاپ شده که به زبان کهن سنسکریت موجود است در کنار آن نمونه ترجمه فارسی نیز یافت می‌شود. این زبان قدرت و یارای تبدیل تفکر ثنویت عالمان اهل هند را به توحید و یکتاپرستی در سرودن اشعار فارسی در میان شاعران از طبقه برهمنان به خوبی داشته‌است. با آغاز حکوت امیر ناصرالدین سبکتگین و سلطنت امیر محمد غزنوی همراه با دین اسلام زبان فارسی به سرزمین هند وارد شد. فرهنگ ایران و زبان فارسی آن‌چنان در سرزمین هند جای باز کرد که حتی شیوه حکومتی که بر پایه چهار عنصر یعنی: شاعران، حکیمان، دبیران، ستاره‌شناسان بود به عنوان قوام حکومتی سلطنت هندیان مقبول گشت.

همزمان با سلطنت شاهان صفوی در ایران و گورکانیان در شمال هند زبان فارسی زبان دربار و مراسلات رسمی و اداری هند قلمداد می‌شود و بوستان و گلستان سعدی در دربار با عشق خوانده می‌شود و نوروژ با جلال و شکوه هرچه تمام‌تر برگزار می‌شود. شدت احساس عشق و دین به زبان فارسی در هند آن‌چنان افزون می‌شود به طوری که زمانی شاهان صفوی در کاخ‌های اصفهان و قزوین به زبان ترکی سخن می‌گفتند و بر این زبان افتخار می‌کردند به قول فارسی سرایان هند: از بس سخن سرائی ز ایران به هند رفت / دهلی و آگره گشت ری و اصفهان هند. اما پادشاهان گورکانی در هند در قصرها و محل سراهای آگره و دهلی و لاهور به زبان فارسی گفتگو می‌کردند و این شهرها را اصفهان هند می‌نامیدند. از سرسلسله پادشاهان تیموری هند ظهیرالدین بابر تا شاهزاده دارا شکوه فرزند شاه جهان همگی نسبت به زبان سرزمین ایران فارسی عرق خاصی داشتند. نورالدین جهانگیر فرزند ارشد جلال‌الدین اکبر، با همسرش در قصر به زبان فارسی شعر می‌سرودند.

پروانه نیم که نعره کنم درد سر دهم      پروانه‌ام که سوزم و دم برنیاورم (جهانگیرشاه)

پروانه نیستم که به یک شعله جان دهم      شمعم که جمله سوزم و دم برنیاورم (پاسخ نور جهان)

پادشاهان خاندان تیموری هند ایران را وطن خود و ایرانیان را همشهری و هم زبان خود می‌دانستند و از ایران به عنوان دربار ثانی یاد می‌کردند. از این رو رواج زبان فارسی و ادبیات و علوم در دربار دهلی بیش-تر از دربار اصفهان بوده است و ظاهراً در دربار اصفهان پادشاه و خاصان دربار به زبان ترکی صحبت می‌کردند، ولی در دربار دهلی شاه و دربار و حرم‌سرایان همه به فارسی گفتگو می‌کرده‌اند... و کتی نیز توسط خود پادشاهان به رشته تحریر در آمده است: مانند یادداشت‌های نورالدین جهانگیر (جهانگیرنامه) که همه به فارسی است اعتبار آن زبان را در هند مدلل می‌دارد. (بهار، ملک‌الشعراء، ج ۳، ص ۲۵۷).

در عهد جلال‌الدین اکثر زبان فارسی، زبان دولتی به شمار می‌رفت و مردم برای به دست آوردن مقام کارمندی دولت و برای تحصیل حقوق کافی، برای ترویج تجارت و بازرگانی خویش و بالأخره برای مطالعه و تحصیل فنون به یادگیری فارسی سخت محتاج بودند.

در عصر اکبر، فرهنگ بومی هند به فارسی برگردانده شد همراه با مظاهر فرهنگ ایرانی در سراسر جهان-پارسی‌گویی در شبه قاره هند گسترش یافت. توجه و علاقه اکبرشاه به زبان و ادبیات فارسی به جایی رسید که پادشاه و ملکه در گفتگوهای روزانه خود با شعر سخن می‌گفتند و گروهی از پادشاهان و شاهزادگان این دودمان از خود دیوان‌های پرارزش شعر فارسی برجای گذاشتند و به فارسی کتاب‌ها نوشتند به جرأت می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای از تاریخ درخشان فرهنگ ایران چنین بذل و بخششی و به عبارت بهتر سرمایه‌گذاری عظیم فرهنگی به عمل نیامده بود. این بخشندگی ادبی و سرمایه‌گذاری فرهنگی را که بابر و همایون آغاز کردند، توسط اکبر به اوج خود رسید.

زمانی در هندوستان زبان فارسی در حکم گذرنامه امروزی ارزشمند بوده است. همایون شاه زمانی که به زبان فارسی رباعی در مدح حضرت علی (ع) سرود، شاه طهماسب را خشنود ساخت و به همین خاطر با سرودن رباعی در وصف شاه مردان علی (ع) از کمک شاه ایران برخوردار شد و شرط کرد پس از بازگشت به هند مقابری در سرزمین هند بسازد و آن را به اسماء ائمه مزین کند و بدین طریق با شعر فارسی در قالب رباعی به مدت هشت ماه در ایران اقامت گزید.

دوران درخشان و پر عظمت شاهان گورکانی هند بر بنیاد زبان و ادب فارسی پایه‌گذاری شد. در همین زمان بود که در بین خانواده‌های تربیت شده دانستن زبان فارسی نشانه تجدد و فرهنگ شد و درباریان با زبان شعر فارسی با هم سخن می‌گفتند. (امیری، کیومرث، ص ۸). هرچه از دوره اعتلا و قدرت تیموریان یعنی اواخر عهد اورنگ زیب دور می‌شویم، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی رو به ضعف و سستی می‌نهد و از عرصه دربارها و دیوان‌ها ناپدید می‌شود، اما تنها در زمان آخرین شاه گورکانی «بهادر شاه ظفر» متخلص به «ظفر» بود که فارسی دوباره در دربار اهمیت می‌یابد. با تمام این تفصیلات در دوره رکود فرهنگی هند یعنی زمان پادشاهی اورنگ زیب «زیب النساء بیگم» متخلص به «مخفی» دختر اورنگ زیب به سبک عراقی قصیده و غزل می‌سرود و یکی از بزرگ‌ترین شاعرهای فارسی زبان هند محسوب می‌شد.

نمونه‌ای از اشعار وی:

شمعیم و خوانده‌ایم خط سرنوشت خویش ما را برای سوز و گداز آفریده‌اند

زبان و ادبیات فارسی به همراه فرهنگی غنی ایرانی- اسلامی نه تنها در بین مسلمانان بلکه در میان غیرمسلمانان نیز نفوذ یافته است. ابوریحان بیرونی اولین هندشناس ایرانی هندوان را در کتاب «تحقیق مالهند» خود قومی خودپسند معرفی می‌کند. همان قوم و مذهبی که غیر از کتاب وید مقدس و زبان پاک و مطهر سنسکریت چیز دیگری را قبول نداشتند و غیر از مردم و سرزمین هند دیگران را «ملیکه» یا «ملیچه» (یعنی ناشایست) همان عبارتی که اعراب ما را به عنوان «عجم» (لال) خطاب می‌کردند. آن‌چنان مسحور زبان و ادب فارسی شدند که به جای اقوال «شنکر» و «کیپلا»، «تلسی داس» و «رامانج» تحقیقات ادبی خود را به اقوال و اشعار سعدی و حافظ و خیام و رومی زینت می‌دادند. اهل هند با انس و الفت با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به لقب «میرزا» و «میان» افتخار می‌کردند. طبقه «کایست» و «سپروهای» کشمیری از پیشگامان تعلیم زبان فارسی بودند. «سپرو» یعنی «سب پرو» همه بخوانند به آنانکه فارسی می‌آموختند «کارکن»، «رازدان» و «منشی» می‌گفتند. (سید، عبدالله، ص ۳۸). گورونانک از بزرگان و عالمان دین سیک‌های هندوستان در اواخر سلطنت لودهیان نویسنده «آدی گرت» محله اول (بخش اول) کتاب مقدس خود را با الفاظ فارسی مزین کرده بود.

پیر پیکا مبر سالک صادق شهید اور شهید بیخ مشائخ قاضی ملا اور درویش (همان، ص ۴۰)

راجا تودر مل وزیر دربار اکبر شاه به جای زبان هندی زبان فارسی را زبان درباری معرفی کرد. اولین شاعر غیر مسلمان به زبان فارسی «میرزا منوهر توسنی» در باب توحید و توصیف ایزد منان به شعر فارسی می‌پردازد و این گونه فضای ترجمه متون زبان سنسکریت برای ترجمه به زبان فارسی در روزگاران حکومت زبان فارسی در هند مهیا بوده است. پژوهش یاد شده به بررسی ترجمه ای در عصر حاضر می‌پردازد که در دسترس ایرانیان نه تنها نبوده است، که منتظر برزویه طبیب دیگری است که به وسیله وی معرفی و شناخته شود.

### بحث و بررسی

با این مقدمه می‌توان دریافت ترجمه فارسی متون فلسفه و هنر، اساطیر و ادیان هند و کتب مقدس، زبان و ادبیات هند که بر پایه روایت داستان‌های حکمت‌آمیز استوار شده است، عجیب به نظر نمی‌رسد، بلکه جای تعجب اینجاست که اکثر متون متعالی ایران و هند که به زبان فارسی در هند از زبان سنسکریت ترجمه شده است، در دسترس فارسی‌زبانان ایرانی نیست. داستان‌های ویداها، برهمنها، اوپانیشادها، پراناها، مهابهارتا، رامایانا، پنج تنتره، جاتک، هتو اپدیش، در شمار داستان‌های کهن هندوستان به شمار می‌آیند. غالب این حکایات و داستان‌های اخلاقی متون به زبان فارسی قدیم در هند ترجمه شده است. گاهی متون برگردانده شده به زبان نامتعارف فارسی، محتاج ترجمه دیگر به زبان فارسی متعارف است.

ادب داستانی ویدک به ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م. بر می‌گردد. در کتاب ریگ‌ودا داستان کهن «پالا» حکایت از بیماری بانویی است که همسر وی او را در حال بیماری رها می‌سازد، اما در سایه صبر و توکل توسط خدای رحمت باران «ایندرا» شفا می‌یابد. قبل از داستان‌های حکمت‌آمیز پنج تنتره حتی روایت‌های کهن تری به نام جاتک که به ادبیات آیین جینیزم و بودئیزم تعلق دارد.

داستان‌های کهن هند اکثراً به صورت نظم و نثری آهنگین روایت می‌شود. وشنو شرما نویسنده و خالق اثر کتاب پنج‌تنتره، این داستان را از زبان حیوانات با تمثیل و زبان حال خلق می‌کند و برزویه عارف و عالم دربار شاهی انوشیروان به دنبال آب حیات رهسپار هند می‌شود و پس از کنکاش از برهمنان هند که آن زمان داستان‌های جاتک را از زبان حیوانات نقل قول می‌کنند و با زبان حال آب حیات را که همان یافتن علم می‌نامند، نوید می‌دهند. ادبیات داستانی و افسانه‌های هند تنها داستان نقل شده برای سرگرمی و گزران وقت نبوده‌است، بلکه می‌توان گفت بدون وجود اساطیر و فلسفه جاندارپنداری و پیکرگردانی و پیروزی خیر بر شر و حکمت‌های اخلاقی مفهومی نداشته‌است.

برونیسلاو مالینو سکی درباره اسطوره می‌گوید: میت در جامعه بدوی، یعنی به صورت آغازین و زنده خود، فقط قصه نقل شده نیست، بلکه واقعیتی است تجربه یافته. میت به نوع ابداعاتی که در رمان‌های امروزی می‌خوانیم، تعلق ندارد بلکه حقیقتی است زنده که گویا در زمان‌های آغازین به وقوع پیوسته و از آن جهان و سرنوشت آدمها را تحت تاثیر قرار داده‌است. علاوه بر این پتازونی محقق ایتالیایی بر این باور است که میت افسانه نیست، بلکه تاریخ است، تاریخ واقعی و نه تاریخ دروغین. داستان واقعی که به علت محتوای خود حکایت از حقیقتی می‌کند. یعنی آغاز وقایع بزرگ ازلی. از این رو داستان پژوهش این مقاله کتھا سریت ساگر از این توضیحات مستثنی نیست (شایگان؛ داریوش ص، ۱۰۵، ۱۳۸۱).

معرفی و نقد ترجمه‌های داستان کهن و اساطیری کتھا سریت ساگر

### *sāgara Kathā sarit*

#### कथासरित्सागर

سوامی دیو بهاتا برهمن کشمیری صاحب کتاب «کتھا سریت ساگر» افسانه قدیمی قرن یازدهم میلادی را همچون کتاب مقدس گیتا که در اصل بر گرفته شده از حماسه رزمی مهابهارتا است در هیجده گفتار که هر کدام مشتمل بر بخش‌هایی است را با حکایت‌های نغز بر پایه اساطیر و باورهای که آیین و دین هندوئیسم بر آن استوار است، ترتیب داده‌است در زبان سنسکریت. کتھا به معنای افسانه است و سریتا به معنای نهر و ساگر به معنای اقیانوس.

از آن جا که هندوستان پیشتاز فرهنگ ادبیات داستانی و خالق و مبتکر شعر حماسی همچون مها بهارتا و رامایانا و پیشرو و پیشقدم در اسطوره‌سازی و رمزپردازی در دنیای خاور زمین است محقق اروپایی. پنزر در این باره می‌نویسد: در اصل هند منبع و منشأ داستان‌گویی است، ایرانیان پس از فراگیری این فن آن را به اعراب می‌آموزند و از خاورمیانه این داستان‌ها به قسطنطنیه و ونیز رسیده و در صفحات و نوشته‌های با کاسیو و چوسر و لافونتین راه می‌یابد.

از آن زمان که پنچتنتره در ادبیات عامیانه جهان با وجود برزویه طبیب شناخته شده‌است، اما این اثر گرانبها در انتظار برزویه طبیب دیگری است، چرا که متأسفانه این اثر در بین متخصصان ایرانی کاملاً ناشناخته است. نسخه قدیمی این اثر با نام «برهت کتھا» تألیف «گنا دهیا» که هم‌ردیف رزم‌نامه مهابهارتا و حماسه مذهبی رامایانا است، اما اکنون اثری از آن نیست. داس گوپتا از محققان هندی بر این باور است که ۴ نمونه از نسخه‌های متون پنچتنتره که اختلافات مراسم داستان را بازگو می‌کند،

نشأت گرفته از یک اصل گم شده است. نسخه اول ترجمه پهلوی و پس از آن ترجمه سریانی و عربی است این ترجمه اصلاح شده بعدها به اروپا راه می‌یابد. متن دوم از پنجتنتره گم شده شمال غربی است که از دو ترجمه «برهت کتها» در سنسکریت و در سنسکریت شمال غربی ترکیب و تشکیل می‌شود. منبع سوم و اصل متن کشمیری موسم به «تنتر کایکا» و دو متن جینی است که یکی از آن‌ها متن ساده و آسان و دیگری متن آراسته و پیراسته به نام «پنچاکیانه» است متن چهارم اصل و منبع مشترک گم‌شده متن پنجتنترای جنوب نپالی و «هتو اپدیش» (داستان‌های حکمت‌آمیز) بنگالی است.

«برهت کتها» مشتمل بر ۷۰۰ هزار قطعه، توسط «گنا دهیا» بین سال‌های سوم یا چهارم میلادی سروده شده است. گنادهیا از سه منبع رامایانا و داستان‌های بودایی و افسانه‌های اجین و کوشانی و پریدوت یا مهاسین (داستان‌های اساطیری) استفاده کرده است. افسانه «برهت کتها» در کشمیر ترجمه می‌شود که سه نسخه به زبان‌های محلی به روایت داستان‌های کهن می‌پردازد. «برهت کتها منجیری» مشتمل بر ۷۵۰۰ بیت اثر «کشمندر» شاعر جوانی که منجیری‌های (گفتارهای نغز) مها بهارتا و رامایانا در نیز سروده است. ترجمه‌ای بسیار پیچیده و خشک و ثقیل دارد، اما محتوی آن با اصل مطابقت دارد. ترجمه دیگر کشمیری برهت کتها سریت ساگر توسط سومای دیو (۱۰۶۳-۱۰۸۱). برهمن شیوئیتم و پسر رام کشمیری در ۱۸ (لمبیک) یا گفتار و (۱۲۴ ترنگ) یا باب در ۲۲۰۰ بیت سروده است.

**دفتر اول کتها پتا kathapitha**، شامل حکایات الهه «شیوا» و همسرش «پارتی» و «ورروچی» و استاد و شاگردان وی همچون: گنهادی، پشپ، دنت، مالیون است. دفتر دوم کتها موکها: حکایات پادشاه اودین، شری دنت و میرگانک وتی، چند مهاسین، روپ نک، دیو سمتو طفل بد هیبتی به نام رورو بیان شده است.

دفتر سوم لاوانک نام دارد و حکایات طبیب زرنگ؛ مرتاض ریاکار.

دفتر چهارم: حکایات دیو دت، برون دت جنن.

دفتر پنجم: حکایت شهر زرین چتر دارک.

دفتر ششم: حکایات پادشاه دهرم دت و هفت برهمن.

دفتر هفتم: حکایات رتن پریا، رام و سیتا بیان شده است.

دفتر هشتم: شامل حکایات پادشاه لکشمین دت و تاجر پادشاه چوربال است.

تم داستان کتها سریت ساگر به وقایع قرون وسطی کشمیر که به موهوم پرستی و جادوگری و قربانی انسان، هرج و مرج توطئه و کشتار مبتلا بود بر می‌گردد. عزت و احترام و صداقت و پاک‌دامنی زنان، و پرورش اولاد نیک‌خو از دامان زنان پاک، موضوع اصلی اکثر حکایات این افسانه کهن را تشکیل می‌دهد. گاهی موضوعات روایات و دستورات و آیینی و دینی هندوان را نیز شامل می‌شود و گاهی سرگرم‌کننده، عاشقانه و هولناک روایت می‌شود. در مجموع حکایت از جامعه قرون وسطی در تاریخ کهن کشمیر هند از داستان مها بهارت گرفته تا سلطنت شاه جی سینگ که به دوران سخت در ریزش اخلاقیات بوده- است، می‌پردازد.

پنزر بر این باور است که «کتها سریت ساگر» از قدیمی‌ترین داستان‌های موجود جهان به شمار می‌رود. این اثر از ترکیب و تلفیق دو فرهنگ آریایی و دراوری و از منبع اصیل اساطیر و فلسفه و تفکر و ذهن هندی تشکیل شده‌است.

### ترجمه‌های کتها سریت ساگر

کتها سریت ساگر سه کتاب اول پنچتنترا با ترکیب جدید و اسلوب خاص خود است و این سه کتاب در دوره سوامی دیو از ترجمه پهلوی به جای مانده‌است (عباسی، خالقداد، ص: ۱۳۷۵:۷).

اولین ترجمه انگلیسی این اثر توسط سی.اچ تونی (۱۸۳۷-۱۹۲۲) تحت عنوان «دریای داستان‌ها» به نگارش درآمد. بعدها به کوشش ان ام پنزر به همان ترجمه انگلیسی بار دوم با مقدمه و تعلیقات و توضیحات بیش‌تر به چاپ رسید، پس از آن سر ریچارد کارمک تمپل نسخه پنزر را با پیشگفتار خود چاپ کرد. البته این چاپ با تجدید نظر و نظر ثانی در ده جلد در سال ۱۹۲۳م به چاپ رسید. این اثر با همکاری دولت هندوستان و سازمان آموزشی علمی فرهنگی ملل متحد در زمره مجموعه آثار بزرگ مهم جهان قرار گرفت و در سال ۱۹۶۶م در هند به چاپ جدید رسید.

علاوه بر این چاپ‌ها یک ترجمه سنسکریت در زبان نپالی به نام «برهت کتها اشلوک سنگرهه Brhat katha lokasangraha» (خلاصه اشعار برهت کتها) موجود است. این ترجمه به توسط بودها سوامی در قرن هشتم یا نهم میلادی به وجود آمد و در سال ۱۸۹۳ میلادی در نپال کشف شد. نسخه خطی ناقص این ترجمه شامل ۲۸ بند و ۴۵۳۹ قطعه است. البته تخمین زده شده است که اصل آن مشتمل بر ۲۵۰۰۰ قطعه شعر بوده‌است. گفته می‌شود این ترجمه با دو ترجمه کشمیری دیگر اختلاف دارد. داس گوپتا در مورد اهمیت ترجمه نپالی و تحلیل و تجزیه اختلافات میان این ترجمه و ترجمه کشمیری می‌گوید محققان در ابتدا بر این باور بودند که ترجمه کشمیری از اصل پراکرت (زبان عامه یا هندی) گرفته شده‌است، اما اکنون این باور رد شده‌است و به دلیل عدم دسترسی به اصل متن هر سه ترجمه از خصوصیت‌های خاص خود برخوردار است. تلخص کشمندر بسیار شتاب‌زده، پیچیده و ملال‌آور است، البته در برخی موارد قطعه‌هایی زیبا و بلیغ شعری در ترجمه هویداست. ترجمه «سوامی دیو» به طرز عامیانه داستاهای ساده است و عاری از لطافت و ملال‌آور است، علاوه بر این سه ترجمه دیگری نیز موجود است که هیچ‌گاه مورد مطالعه واقعی قرار نگرفته است. *A history of Sanskrit literature vo1and3 p 349. 96-100*. ترجمه نپالی به اصل نزدیک‌تر است، اما کتها سریت ساگر از همه بهتر شناخته می‌شود

سلطان زین‌العابدین ملقب به پادشاه کبیر در سال ۸۲۳ ه. ق. ۱۴۲۰ در کشمیر با تاسیس اولین مرکز ترجمه در کشمیر به ترجمه و چاپ کتب های زبان سنسکریت به فارسی و آثار فاخر ادب فارسی به زبان سنسکریت می پردازد. چنانچه ملا احمد شاعر دربار سلطان کشمیر مه‌بهارتا و دسوتر و راج ترنگنی (مجموعه کتاب تاریخ پادشاهان کشمیر از مه‌بهارتا، تا سلطنت جی سینگ شاه) را به زبان فارسی ترجمه کرد شریور (Srivara) کار برگرداندن یوسف و زلیخای جامی را در زمان وی به زبان سنسکریت و این ترجمه در سال ۱۵۰۵ تحت عنوان کتها کوتکا *Katha kautuka* به عهده گرفت.

خدمات علمی و فرهنگی اکبر شاه و سلطان زین‌العابدین در کشمیر بر تاریخ و تمدن هند پوشیده نیست، اما بنا بر مستندات تاریخی هیچ‌یک از محققان از ترجمه کتبه سریت ساگر که اکنون نیز اثری از اصل آن موجود نیست ذکری نکرده‌اند. گفته می‌شود ملا احمد آن را تحت عنوان بحر‌الاسمار به فارسی ترجمه کرد، اما به علت پیچیده بودن ترجمه و به کار بردن لغات ثقیل عربی به دستور اکبر شاه توسط مصطفی خالقداد عباسی تحت عنوان دریای اسمار ترجمه شد. اگرچه عباسی ترجمه آن اثر را به زبان فارسی قدیم غیرمتعارف ترجمه می‌کند، اما کار تکمیل و تنظیم ترجمه زبان فارسی متعارف به ملا عبدالقادر بدایونی مؤلف کتاب منتخب‌التواریخ نیز واگذار می‌شود. وی با تشویق و ترغیب اکبر شاه پنجاه‌گانه Panchakhyana را که پنچتنترای جینی بود به زبان فارسی ترجمه کرد. همچنین به دستور جهانگیر شاه کتاب «الملل و النحل» محمد شهرستانی را تحت عنوان «توضیح الملل» به فارسی برگرداند.

بر اساس اطلاعات فهرست‌نویسی در بریتانیا نام کامل مترجم کتبه سریت ساگر مصطفی‌بن خالقداد الهاشمی است. او به سبب تبحر در ترجمه صحیح و ساده و روان از زبان سنسکریت در دوره اکبر شاه به دستور جهانگیر شاه مأمور ترجمه این اثر نیز بوده‌است. مؤلف فهرست اندیا آفس نام کامل وی را مصطفی‌بن خالقداد الهاشمی العباسی نوشته‌است (ج، ۱، ص، ۱۲۹) اما در جایی دیگر نام وی را مصطفی‌بن شیخ خالقداد العباسی یاد کرده‌است (ج، دوم، ص، ۷۳۲).

کتاب دریای اسمار ترجمه کتبه سریت ساگر که توسط خالقداد عباسی به زبان فارسی قدیم برگردانده شده‌است در سال ۱۹۷۷م برابر با ۱۳۷۵ به مناسبت پنجاهمین سالگرد استقلال هند و هیجدهمین سالگرد شکوهمند انقلاب اسلامی ایران توسط محققان زبان فارسی پروفیسور تارا چند و سید امیر حسن عابدی تصحیح و با همکاری رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو و دانشگاه علی‌گره و مرکز تحقیقات زبان فارسی به چاپ رسیده‌است. اما این تصحیح نیز جای کار بسیار دارد و برای متعارف شدن زبان معیار فارسی راهی بس طولانی.

ابتدای کتاب به زبان فارسی قدیم حمد و ثنای خداوند سبحان آغاز می‌شود در این نثر از سر تواضع برای الکن بودن انسان از تعریف و تمجید شان باری تعالی شعر فارسی آورده شده‌است:

هزار بار بشستم دهن به مشک و گلاب هنوز بردن نامش سزا نمی بینم (ص، ۴، ۱۳۷۵)

شعر اصلی این‌گونه است:

هزار مرتبه شستم دهان به مشک و گلاب هنوز نام تو بردن کمال بی ادبی است

این شعر در منقبت مولای متقیان حضرت علی (ع) سروده شده‌است.

مجموعه کتاب دریای اسمار تصحیح شده توسط دکتر تارا چند و دکتر سید امیر حسن عابدی شامل ۶۰۴ صفحه است. از ابتدا تا انتهای صفحه ۵۹۰ کتاب ۹۷ بیت از آثار مختلف شاعران فاخر ایران - زمین همچون: حافظ، بوستان و گلستان سعدی خواجه نظامی گنجوی، جامی، فردوسی، هلالی جغتایی، اوحدی مراغه‌ای، ظهیر فاریابی استفاده شده‌است، اما در تصحیح حاضر نام هیچ یک از شاعران یاد شده در کنار ابیات به چشم نمی‌خورد و گاه اشعار با غلط‌های بسیار و حتی با الفاظ و مفهومی دیگر در لابه-



لای حکایات به چشم می خورد. افسوس که اشاره به تمامی اشعار در مجال این مقاله نمی گنجد، اما برای اثبات این امر به ذکر مثال هایی می بایست پرداخته شود. در بخش ابتدای کتاب یا حمدنامه چند بیت آورده شده است. بدون ذکر نام شاعر که البته این اشعار متعلق به هفت اورنگ جامی - خردنامه اسکندری است.

**نمونه کلام:**

**نمودار هستیت بالا و پست تویی هست هستی ده هر چه هست**

**نگویم بلندی و پسی تویی ولی دانمت هر چه هستی تویی**

شعر صحیح از هفت اورنگ جامی - خرد نامه اسکندری این گونه است.

**نه تنها بلندی و پستی تویی که هستی ده هست و هستی تویی**

در بخش کتھا پتا، موج سوم، ص، ۲۳ شعری بدون نام شاعر این گونه آمده است:

**جزای حسن عمل بین که با بدی زمان چگونه دوست کند دشمنان جانی را**

این شعر از ظهیر فاریابی است و نمونه صحیح آن از این قرار است:

**جزای حسن عمل بین که روزگار هنوز خراب می نکند بارگاه کسری را**

و اما نمونه نثر تصحیح شده فارسی نا متعارف در سال ۱۳۷۵ شمسی برابر با ۱۹۹۷ از فصل کتھا پتا موج سوم حکایت دوم، ص، ۲۰.

آورده اند که در جوار هردوار معبدیست کنکل نام که فیل ابروت قله اشی نیر شکسته دریای گنگ را از آنجا گذرانیده بان ناحیه فرود آورده است. و برهمنی با زن خود از دکن به آن مقام آمده قرار گرفته به عبادت و ریاضت مشغول شد و او را سه پسر به وجود آمد و بعد از چند گاه برهمن و زنش از عالم رفتند و آن سه پسر از برای کسب کمال و افروختن دانش به شهر راجگر که در نواحی بهار است رفته تحصیل علوم نمودند. و.....

در لابه لای حکایت مترجم (خالقداد عباسی) از حکایت پنجم گلستان سعدی باب اول در سیرت پادشاهی این قطعه را آورده است.

**نگر آن بی حمیت را که هرگز نخواهد دید روی نیکبختی**

**تن آسانی گزیند خویشتن را زن و فرزند بگزارد بسختی**

هر حکایت با این سبک از زبان آورده شده است و اشعار بدون منبع و مأخذ و گاهی با اشکالات

املایی و تغییر موضوعی و ماهیتی شعر در تصحیح اخیر رها شده است.

**نتیجه**

ترجمه های تصحیح شده متون کهن سانسکریت که به زبان فارسی در هندوستان پژوهش و بازبینی شده است نیازمند تحقیق و تغییر در شیوه ترجمه است و از اخلاقیات ترجمه صحیح این گونه بر می آید که کتاب کتھا سرت ساگر مجدداً بررسی و در شیوه فارسی جدید و متعارف با اعلام و اوانگاری فونتیکی برای خوانش صحیح اساطیر یاد شده در متن کتاب بپردازد. تصحیح اشعار فاخر فارسی در این کتاب به

شیوه بسیار غیر متعارفی در ماهیت، موضوع و مضمون و حتی غلط در شیوه نگارش نیازمند بازبینی دقیق است. در کل کتاب بیش از سی اثر از شاعران فارسی آورده شده است، اما بسیار جای تأسف دارد که توسط عالمان فارسی عصر حاضر هند نیز به زبان و بیان صحیح و متعارف واری نشده است. خواننده فارسی‌دان و فارسی‌زبان امروز دیگر با این سبک از نگارش قطعاً آشنا نیست از این رو می‌بایست در تصحیح اخیر به این موارد و با توجه به اهمیت کتاب حاضر بیش‌تر به تصحیح توجه می‌شده است. از آن‌جا که این اثر از نیک‌خویی و پاکدامنی زنان، صداقت و احترام بر بزرگان ادب و والدین، جنگ خیر و شر و پیروزی و بهروزی خیر بر شر جهل و نادانی و غرور بیجا و به روش داستان‌هایی بر پایه تمثیل برای اثبات حکمت‌های اخلاقی روایت شده است، بنابراین، ارزش بازبینی و تحقیق و تدوین مجدد را خواهد داشت. مؤلف این مقاله یارای تصحیح و بازبینی این اثر سترگ را در آینده نوید خواهد داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### منابع

۱. بنیون، لارنس (۱۳۸۳). روح انسان در هنر آسیایی، ترجمه محمدحسین آریا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. شایگان، داریوش (۱۳۸۱). «بت‌های ذهنی و خاطره ازلی»، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳. عباسی، مصطفی خالقداد (۱۳۷۵). تصحیح دکتر تارا چند و سید امیر حسن عابدی، دانشگاه اسلامی علیگره و رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، هندوستان دهلی نو.
4. Achari, Varda, 1951. "A History of Sanskrit Literature, Ram Narain Lal publish, d Allahabad India.
5. Winternitz, W, History of Indian Literature Vol :III Traslated from the German with addition by Subhadra Jha. New Delhi , india.
6. Badaoni, Al, 1942, Muntakhabut-Tavarikh. traslated by W. H Loe. Calcutta, India.
7. Penzer, N.M, 1968, "The Ocean Of Story , being. H Tawnevs Translation of Somadevas Kathasaritsagara, published , Motilal, Banarasi Dass, New Delhi, India
8. Dasgupta, S, N, 1962, A, History Of Sanskri, Vol, I, Literature, University of Calcutta India.



## "The Analytical Criticism of the Persian Translation The Myth of Sanskrit The Old Testament Wisdom of India "Katha,Sarit Sagar"

**Farzaneh Azam Lotfi**<sup>1</sup>

Assistant professor member of the Faculty of Foreign Languages and Foreign Literature of the University of Tehran, Tehran, Iran.

Two Iranian and Indian peoples have been fed and fed up with a tribal, intellectual, and linguistic family, both from a source and a folkloric reservoir. Since the five tantra stories from India have gone to Iran, and thus into the treasure of Iranian literature, has given a special price. Though five tantras are known in the world literature and Iran, but the wisdom tales of Katha Sarit Sagar are waiting for treatment, for the familiarity and remembrance of the great work that is considered as the rich literary treasures of India in the series Māh Bharat and Rāmīnī. The work consists of 700 thousand pieces in the 3rd and 4th centuries, which in the ninth century first came to Persian on the orders of the King Kashmir Sultan Zain al-Abedin, and was simultaneously completed by Abdul Qadir Badayuni, the well known author of "Selected Al-Tarikh" with additions. Nowadays, despite the fact that this work has been welcomed by the Orientalists and has been published and published by Unesco, except for the great works of the world, but this valuable work, which is in the form of Kalileh and Demneh, has not yet been available to the Persian speakers Indian folklore has published this work in more unusual Persian language, although 1977 is corrected but still remain unfamiliar. In this research, the analytical review of the translation of this work and the features of wisdom and its importance are discussed.

**Keywords:** Katha Sarit Sagar, Bahat Katha, Baharala Samar, Asmar Sea, Wave and Creek, Unusual Persian Translation, Cretan Review and Analysis, Sarit Sagar.

<sup>1</sup> E-mail: f.azamlotfi@ut.ac.ir